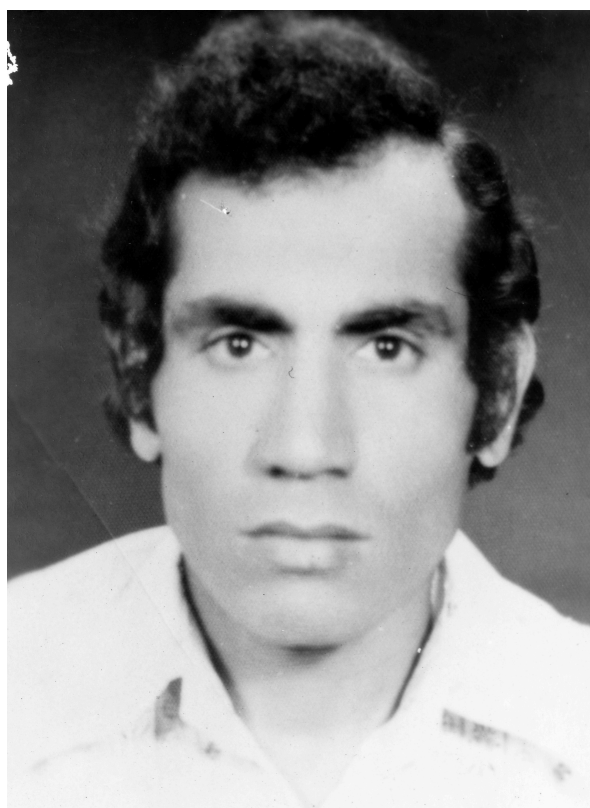


شهید ابراهیم زارع



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

| | |
|-------------|---------------------|
| نام پدر | علیرضا |
| تاریخ تولد | ۱۳۳۳/۰۷/۰۳ |
| محل تولد | بوشهر - دشتستان |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۵/۱۰/۰۴ |
| محل شهادت | آبادان |
| مسئولیت | جهادگر |
| نوع عضویت | بسیج |
| شغل | کارمند اداره آبیاری |
| تحصیلات | دوره ابتدایی |
| مدفن | درواهی |

زندگینامه

شهید ابراهیم زارع در سال ۱۳۳۳ در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. در کودکی قرآن را نزد عمویش فراگرفت و تا کلاس ششم در دبستان آب پخش تحصیل نمود. خدمت مقدس سربازی را در کرمانشاه گذراند سپس در شرکت بهره برداری منابع آب وزهکشی استان مشغول به کار شد. با شروع جنگ تحمیلی احساس تکلیف نموده و راهی جبهه شد. در عملیات کربلای ۴ بعنوان آرپی جی زن شجاعانه با کافران بعثی جنگید و سرانجام در تاریخ ۱۰/۶۵/۴ در آبادان بر اثر بمباران هواپیماهای دشمن به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

مصاحبه

مصاحبه با همسر شهید

— از اخلاق و رفتار شهید در منزل بیان فرمایید؟

شهید مؤمن و باتقوا بود کم می‌شد که عصبانی شود و صدایش را بلند کند ضمن اینکه در خانه نیز کمک بسیار بزرگی برای بنده بود و بیشتر مواقع بچه‌ها را برای تفریح به بیرون می‌برد.

— هر گونه خواب و الهامات اطرافیان یا دوستان در ارتباط با شهید را بیان نمایید؟

بعد از شهادت شهید در خواب دیدم که او یک خانه مجلل و زیبا دارد و یک پارچه سفید که روی آن پولک‌های طلایی نصب می‌باشد را پایین خانه آویزان کرده است من به او گفتم پارچه سفید را بیرون خانه بزن و خودت نیز از داخل خانه بیا بیرون تا همه مردم تو را ببینند ولی شهید نه پارچه را بیرون می‌زنند و نه از خانه بیرون می‌آیند و در جواب می‌گوید مردم مرا از داخل خانه هم می‌بینند.

— آیا به خاطر دارید که خدمت سربازی را در کجا گذراند؟ تاریخ شروع و پایان آن را بیان نمایید؟

خدمت سربازی را در کرمانشاه گذراند.

— چگونه و توسط چه کسی از شهادت همسر تان با خبر شدید؟

از طریق برادرش و یک نفر از اعضا ☐ سپاه پاسداران از شهادت ایشان با خبر شدیم.

— هر چه در مورد مراسم تشییع و تدفین شهید به یاد دارید بیان کنید؟

مراسم تشییع بسیار باشکوه و بود و همه اهالی آپبخش و روستاهای اطراف در این مراسم بزرگ شرکت نموده بودند.

— از اینکه جز ☐ خانواده معظم شهدا ☐ هستید چه احساسی دارید؟

برای ما بسی افتخار و سربلندیست. از اینکه چنین شخص بزرگ و عزیزی را از دست داده‌ایم ناراحت می‌باشیم از اینکه خون این شهیدان عزیز کشورمان را پیروز کرد خوشحال می‌باشیم

— اگر خاطره‌ای از شهید دارید لطفاً بیان کنید؟

قبل از شهادت شهید با هم یک سفر به مشهد داشتیم در این سفر ما را به زیارت مرقد مطهر امام رضا (ع) بردند عشق و ارادتش به امام غریب بسیار عجیب بود. بعد از آن به گردش و تفریح در شهر پرداخته و از آنجا به مازندران و رشت رفتیم و چون ایشان همسفر خوبی بودند به ما خیلی خوش گذشت.

— چه آرزو و خواسته‌هایی در زندگی داشت؟ بزرگترین آرزویش چه بود؟

بزرگترین آرزویش شهادت در راه خدا بود.

– چه انتظاراتی از شما داشت؟(اخلاقی، فعالیتهای اجتماعی، علمی و...)

انتظار داشت تا فرزندان را طوری تربیت کنم که بتوانند به مردم خدمت کنند و از آیین و کشورشان به خوبی محافظت کنند.

خاطرات

خاطره از زبان یکی از همزمان شهید زارع
من در عملیات کربلای ۴ آرپی جی زن بودم و شهید زارع بعنوان کمک آرپی جی زن بامن همکاری می نمود
در شب عملیات به خاطر پیاده روی کف پاهایم زخم شده بود و شهید زارع با اینکه خود خسته بودند و بار سنگین
مهمات را نیز بردوش حمل می کردند ولی با اصرار از من خواست تا آرپی جی را به او بدهم. روز بعد از عملیات
در حالی که خسته و کوفته در مدرسه ای در آبادان مشغول استراحت بودیم شهید زارع و شهید آبرون در وسط کلاس
خواهیده بودند که ناگهان دو هواپیمای عراقی مدرسه را به شدت بمباران کردند و شهیدان زارع و آبرون با لب
تشنه همچون مولایشان امام حسین (ع) به دیدار معشوق شتافتند و من و چند نفر دیگر از دوستان در زیر آوار مجروح
شدیم این شهید بزرگوار در نامه ای به فرزندش نوشته بود چنانچه شهید شدم مواظب مادر و خانواده باش و مرتب
از طریق دوستانش که به مرخصی می آمدند سفارش فرزند نوزادش را می نمود که او را خوب و متدین پرورش
دهند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران